اقتصاد سایه: موازی، غیر رسمی، زیرزمینی

حیدری بیگوند، فریبا

حداقل دو سوم‏ درآمدی که از طریق‏ اقتصاد سایه حاصل‏ می‏شود فی البداهه‏ برای اقتصاد رسمی‏ خرج می‏شود

اقتصاد سایه سالانه میلیاردها دلار را به دور از چشم ممیزان مالیاتی‏ به جیب افراد سرازیر می‏کند

کارگر کارخانه‏ای شغل دومی دارد و شبها مسافرکشی‏ می‏کند؛لوله‏کشی یک لوله خراب را برای مشتری تعمیر می‏کند،بصورت نقدی پولش را می‏گیرد و مالیاتی هم‏ پرداخت نمی‏کند.یک قاچاقچی مواد مخدر خرده‏پا هم‏ در گوشه خیابانی دست به معامله مخصوص به خودش‏ می‏زند.اینها تمامی نمونه‏هایی از فعالیت‏های مربوط به اقتصاد زیرزمینی و یا اقتصاد سایه است که هم بصورت‏ قانونی و هم به شکل غیر قانونی سالانه میلیاردها دلار را به دور از چشم ممیزان مالیاتی و آمارگیران دولتی به‏ جیب افراد سرازیر می‏کند

اگر چه فعالیت‏های مربوط به اقتصاد سایه مدت‏های‏ طولانی یک اصل در زندگی افراد بوده و امروزه نیز به‏ سرعت در جهان در حال افزایش است،ولی تقریبا تمامی جوامع به خاطر عواقب نامطلوب فعالیت‏های‏ سایه‏ای اقتصاد سعی در کنترل آن دارند.برخی از پیامدهای این نوع فعالیت‏ها از این قرارند:

اقتصاد سایه سبب می‏شود تا آمار رسمی(در مورد بیکاری،نیروی کار رسمی،درآمد،مصرف)غیر قابل‏ اعتماد شود.سیاست‏گذاری و برنامه‏ریزی که بر پایه‏ چنین آمار نامطمئنی صورت بپذیرد،نامناسب و ناکام‏ کننده خواهد بود.

رشد اقتصاد سایه می‏تواند به یک دور ویرانگر منجر شود.برای معاملاتی که در چارچوب اقتصاد سایه‏ صورت می‏پذیرد،مالیات تعیین نمی‏شود،بنابراین‏ اقتصاد سایه درآمدهای مالیاتی را نازل‏تر از آنچه که‏ واقعا باید باشند نشان می‏دهد.اگر زیربنای مالیاتی و یا پذیرش مالیات دچار فرسایش شود،دولت‏ها ممکن‏ است با بالا بردن نرخ مالیات به موضوع واکنش نشان‏ دهند و در نتیجه سبب شوند تا مردم بیشتری به اقتصاد سایه روی آورند که این امر به شکلی فزاینده برای بودجه‏ در بخش عمومی فشار و محدودیت ایجاد خواهد کرد. به عبارت دیگر،حداقل دو سوم درآمدی که از طریق‏ اقتصاد سایه حاصل می‏شود فی البداهه برای اقتصاد رسمی خرج می‏شود.این امر محرکی مثبت برای اقتصاد رسمی ایجاد می‏کند.

اقتصاد سایه سبب می‏شود تا کارگران داخلی و خارجی انگیزه زیادی برای دوری از اقتصاد رسمی‏ بیابند.

اقتصاد سایه چیست؟

این اقتصاد را همچنین با نام‏های اقتصاد موازی،غیر رسمی و زیرزمینی نیز می‏شناسند.اقتصاد سایه نه تنها شامل فعالیت‏های غیر قانونی می‏شود،بلکه‏ درآمدهای گزارش نشده ناشی از تولید کالاها و خدمات قانونی را نیز که یا از معاملات پولی و یا از معاملات پایاپای حاصل شده‏اند شامل می‏شود. بنابراین،اقتصاد سایه شامل تمامی فعالیت‏های‏ اقتصادی می‏شود که اگر به مسئولان مالیاتی گزارش‏ شوند،به آنها مالیات تعلق می‏گیرد.

ارائه تعریف دقیقی برای اقتصاد سایه مشکل است، چرا که اقتصاد سایه به طور مداوم در حال رشد و توسعه‏ است و خود را مرتب با نظام مالیاتی و ضوابط منطبق‏ می‏سازد.

اقتصاد سایه تا چه اندازه وسعت دارد؟

برآورد اندازه اقتصاد سایه کاری دشوار است.هر چه‏ باشد،افرادی که درگیر فعالیت‏های زیرزمینی می‏شوند، تمام سعی خود را به عمل می‏آورند تا از کشف شدن‏ بپرهیزند.اما سیاستگذاران و مدیران دولتی به اطلاعات‏ بیانگر شمار فعالان در اقتصاد سایه زیرزمینی نیازمندند. همچنین آنان باید بدانند که آیا فعالیت‏های زیرزمینی‏ مکررا صورت می‏پذیرند؟اندازه و وسعت این‏ فعالیت‏ها چقدر است؟در واقع بر این اساس است که‏ آن‏ها می‏توانند برای تخصیص منابع،تصمیم‏های‏ مناسب بگیرند.از همین رو اقتصاددانان و آمارگیران‏ اقتصادی محاسبات گوناگونی را انجام داده‏اند تا به میزان‏ بزرگی اقتصاد سایه پی ببرند.

با برآورد میزان اقتصاد سایه،محققان با استفاده از شیوه‏های گوناگون برآورد و یا تخمین بر 84 نمونه از کشورها تمرکز کرده‏اند.نتایج این بررسی نشان‏دهنده‏ ارزش افزوده قابل ملاحظه در عرصه اقتصاد سایه است.

جدول دوم میانگین برآوردها را برای سه گروه اصلی‏ کشورها یعنی کشورهای در حال توسعه،کشورهایی با اقتصاد در حال انتقال و 21 کشور دارای اقتصادهای‏ پیشرفته،کشورهای عضو سازمان توسعه و همکاری‏ اقتصادی (OECD) ،نشان می‏دهد.

کشورهای در حال توسعه

بر طبق بررسی که در سال 1998-99 در آفریقا صورت‏ گرفت نیجریه و مصر بزرگترین اقتصادهای سایه را در جهان دارند.اقتصاد سایه در این دو کشور به ترتیب 77 درصد و 69 درصد تولید ناخالص ملی را به خود اختصاص می‏دهد.در مقابل سهم اقتصاد سایه در تولید ناخالص داخلی آفریقای جنوبی فقط 11 درصد بود.در آسیا در همین زمان،تایلند با یک سهم 70 درصدی‏ اقتصاد سایه از تولید ناخالص ملی شماره یک محسوب‏ می‏شد،ولی هنگ کنگ و سنگاپور،هر یک به میزان 14 درصد تولید ناخالص داخلی،کوچکترین اقتصادهای‏ سایه را داشتند.بولیوی در سال‏های 1998-99 بزرگترین‏ سهم اقتصاد سایه را در آمریکای لاتین داشت و این‏ اقتصاد 67 درصد تولید ناخالص ملی آن کشور را به خود اختصاص می‏داد.در مقابل کوچکترین سهم اقتصاد سایه با 19 درصد مربوط به شیلی بود.

کشورهای در حال گذار

در میان کشورهای سابق اتحاد جماهیر شوروی در سال 1998-99،اقتصاد سایه در گرجستان صاحب‏ بالاترین میزان با حدود 64 درصد تولید ناخالص داخلی‏ بود.روسیه حدود 44 درصد سهم اقتصاد سایه در تولید ناخالص داخلی را داشت و ازبکستان با داشتن‏ 9 درصدی اقتصاد سایه از تولید ناخالص داخلی دارای‏ کمترین سهم بود.

در میان کشورهای در حال گذر مرکز و شرق اروپا، بالاترین سهم اقتصاد سایه با 34 درصد متعلق به‏ بلغارستان بود.در همین حال اسلواکی با 11 درصد کمترین سهم را از اقتصاد سایه داشت.

کشورهای سازمان همکاری و توسعه اقتصادی OECD

در میان 21 کشور سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، یونان و ایتالیا بیشترین سهم اقتصاد سایه را به ترتیب با 27 و 30 درصد تولید ناخالص داخلی دارا بودند.رتبه‏ متوسط متعلق به کشورهای اسکاندیناوی و پایین‏ترین‏ سهم از آن کشورهای ایالات متحده و اتریش(با حدود 10 درصد تولید ناخالص داخلی)و سویس(با حدود 9 درصد تولید ناخالص داخلی)بود.

شیوه‏های تخمین و یا برآورد میزان اقتصاد سایه‏ (اقتصاد زیرزمینی)

برآورد میزان اقتصاد سایه کاری دشوار است،ولی‏ شیوه‏های گوناگونی برای تخمین میزان این نوع اقتصاد به کار گرفته شده است.برخی از این شیوه‏ها بدین قرارند:

شیوه‏های مستقیم:در بسیاری از کشورها برای سنجش‏ میزان اقتصاد سایه از شیوه‏های مستقیم،که روش‏های‏ اقتصاد خرد نیز نام دارند،استفاده می‏شود.طراحی‏ پرسشنامه و تحقیق و بررسی‏های برنامه‏ریزی شده و یا حسابرسی‏های مالیاتی،نمونه‏گیری‏های تحقیقاتی از جمله این روش‏ها هستند به دلیل عدم همکاری‏ داوطلبانه افراد،این شیوه و پاسخ‏های به دست آمده از آن تا اندازه زیادی می‏تواند نامطمئن باشد.

شیوه‏های غیر مستقیم:این شیوه‏ها را با نام شیوه‏های‏ شاخص نیز می‏شناسند و در انجام آن‏ها از شاخص‏های‏ مختلف اقتصادی و متغیرهای اقتصاد کلان استفاده‏ می‏کنند:

مغایرت میان مخارج ملی و آمار درآمدها:فاصله‏ خالی بین نتیجه سنجش مخارج و درآمد می‏تواند شاخصی باشد برای میزان اقتصاد پنهان.

مغایرت میان نیروی کار رسمی و واقعی:زمانی که‏ نیروی کار تمایل خود را برای همکاری با اقتصاد رسمی‏ از دست دهد،نشانه آن است که فعالیت افراد در اقتصاد سایه رو به فزونی است.

شیوه‏های پولی:اگر تقاضا برای نقدینه بیش از حالت‏ طبیعی افزایش یابد،می‏توان نتیجه گرفت که فعالیت‏ها در اقتصاد سایه رو به افزایش است.

درون‏داد فیزیکی‏1(مصرف برق):با این فرضیه که‏ مصرف برق بهترین شاخص عینی فعالیت‏های اقتصادی‏ محسوب می‏شود،می‏توان برآوردی از رشد اقتصاد سایه با سنجش میزان مصرف برق بدست آورد.

نتیجه‏گیری کلی

پیامدهای اقتصاد سایه را برای اقتصاد رسمی می‏بایست‏ مورد بررسی قرار داد چرا که عدم اطلاع از میزان فعالیت‏ صورت پذیرفته در اقتصاد سایه می‏تواند موجب‏ تخصیص‏های نامناسب شود.

یک اقتصاد سایه،مشکلات فراوانی را فراروی‏ سیاستگذاران قرار می‏دهد.این اقتصاد سبب می‏گردد که شاخص‏های رسمی همچون بیکاری،نیروی کار، درآمد،تولید ناخالص داخلی و میزان مصرف همه تحریف‏ شوند.سیاست‏گذاری نیز که بنیادش بر شاخص‏های‏ نادرست استوار باشد،بی‏ثمر خواهد بود و حتی ممکن‏ است عواقب وخیم‏تری را نیز به بار آورد.

منابع:صندوق بین‏المللی پول

دانشگاه کمبریج

(1)- PHYSICAL INPUT